

بررسی چند پرونده و اگر وقت بود چند نامه

نمایش نامه

نویسنده: محمود خرم آزادی

www.ketab.ir

سرشناسه: خرم آزادی، محمود، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: بررسی چند پرونده و اگر وقت بود چند نامه: غایش نامه/ نویسنده محمود خرم آزادی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات آناپانا، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۹۶۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: این اثر با حمایت مدیریت هنری، ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده است.

موضوع: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴

۲۰th century -- Persian drama

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد. مدیریت هنری، ادبیات و تاریخ دفاع مقدس

رده بندی کنگره: PIR ۴۲

رده بندی دیویی: ۸۵۲/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۱۵۴۴۳

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



نشر آناپانا



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های
دفاع مقدس کهگیلویه و بویراحمد

بررسی چند پرونده و اگر وقت بود چند نامه

محمود خرم آزادی

صفحه آرا: موسی حسینی

طراح جلد: یاسر عزآباد

شمارگان: ۱۵۵ جلد

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

چاپ: مهرگان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۹۶۰-۲

شصت هزار تومان

این اثر با حمایت مدیریت هنری، ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان کهگیلویه و بویراحمد منتشر شده است.

نشانی: تهران/ خیابان آزادی/ ابتدای خوش شمالی/ پلاک ۹/ طبقه ۱/ واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۲۵۲۷۲۸۵۸/۰۹۳۱۳۲۵۲۸۵۸/۰۵۲۱۶۴۳۳۳۳۱

ایمیل: anapananashr@gmail.com

اینستاگرام: @anapanabook

وبسایت: www.anapana.ir

بابانوری

پیر مردی سن بالا و خمیده تا زانو، کم حرف و آشنا. دست کم حس آشنایی به ما می دهد طوری که فکر کنیم پیش از این او را دیده ایم و یا حتی ممکن است فامیل دور و یا همسایه ی نزدیکمان باشد. صدایش دورگه و خش دارد، دائما چوبی به دست دارد که به چوب دستی نمی ماند، بیشتر به ترکه شباهت دارد تا به عصای دست پیری، بابا نوری توی خواب خروپف می کند....

جواهر

زنی جوان و خوش بر و رو که می تواند چشمان رنگی هم داشته باشد اما نویسنده چشمان سیاهش را در صورت سبزه ترجیح می دهد. شکمش بزرگ است، گرچه غالبا دوست دارد و تلاش می کند که این بزرگی به چشم نیاید، جواهر هم توی خواب خروپف می کند.

مرد جوان

قدی متوسط و خوش اندام، صورتی روشن و موهایی جو گندمی. کمی تند خو که نه! بهتر است بگویم رفتار عجول و نسجیده دارد. راستش یه مقداری هم عادت بد چشمچرانی دارد که به خودش مربوط هست، هرکسی رو توی گور خودش می خوابونن، گاه گاهی دزدکی هم چیزای آبکی می نوشد. او نیز وقتی خواب است خروپف می کند.

رهگذر

جوانی بلند قد با صورت سبزه پررنگ و ریش و موی کاملاً سیاه. آرام است و بسیار کم حرف اینقد کم حرف که همه مان را تشنه حرف زدنش می‌کند، غالباً او را با سطلی پراز ماهی می‌بینیم کمی مرموز یا دست کم پیچیده و تعریف نشده به نظر می‌آید. از جایی می‌آید و به کجایی می‌رود، اگر منتظرید بدانید او هم خروپف می‌کند یا نه! بهتر است بگویم یا نه، چون نویسنده هم نمی‌داند یا دست کم برایش خوابی ندیده...

سیاه‌سرخ

اسبی سرخ و با دم و یال سیاه بنظر زخمی است و لنگ می‌زند. پیش تر از جایی پرت شده به پایین، بسیار پر خور و خوش خواب است. البته که هوش و زیرکی خاصی هم دارد، سیاه‌سرخ در هر حالتی می‌تواند بخوابد حتی نشسته یا ایستاده، اگر بگویم او می‌تواند هم زمان هم خواب باشد و هم بیدار، باور کنید و حتی در هر دو حالت خواب و بیداری خروپف کند و عجیب تر اینکه صدای خروپفش را کم و زیاد کند.

بچه

پسری سیزده ساله است که نامش بچه هست، گویا از اول همین نامش بوده. اینکه اینجا چه می‌کند! ظاهراً به درخواست یکی از دوستان نویسنده وارد شده، لازم است بدانید او هم توی خواب خروپف می‌کند.